



Crown Jewels and Political Confliction the reign of Ahmad Shah Qajar (1909-1925)

SeyyedMasoud Seyyedbonakdar¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To study the status of royal jewelry during the political and economic developments of Ahmad Shah Qajar.

Method and Research Design: Data for this article is collected from archival documents and library resources.

Findings and Conclusion: Iranian government suffered growing economic and political problems during Ahmad Shah's reign. To overcome financial difficulties, some statesmen and parliamentarians suggested to put to mortgage or sell the collection of Crown Jewels. With the restoration of the constitutional rule after Mohamad Ali Shah was forced to resign, the collection was transferred from royal court to the ownership of the state. As the public was highly sensitive about the jewels, the case was discussed repeatedly in the parliament. Meanwhile, the opponents of Ahmad Shah and the Qajars, spread a rumor that the Shah wants to sell the jewels. They used this as a pretext for discrediting Qajars and ending their rule. The attempt to sell or to mortgage the Crown Jewels was not successful, however, due to disagreements between the government and the parliament, as well as the pressure of public opinion which stressed on national and cultural value of the Crown Jewels.

Keywords: Crown jewels, Ahmad Shah, Parliament, Constitution, Economy.

Citation: SeyyedBonakdar, S. (2021). Crown Jewels and Political Confliction during the reign of Ahmad Shah Qajar (1909-1925). *Ganjine-ye Asnad*, 31(4), 32-58 | doi: 10.30484/ganj.2021.2760

1. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran

sm.sbonakdar@lri.ui.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«124»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2021.2760

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 4, Winter 2022 | pp: 32 - 58 (27) | Received: 24, Apr. 2020 | Accepted: 4, Jul. 2020

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

جواهرات سلطنتی در منازعات سیاسی سال های سلطنت احمد شاه قاجار (۱۲۸۸-۱۳۰۴ ش.)

سیدمسعود سیدبنکدار^۱

چکیده:

دولت ایران در دوره احمدشاه به مشکلات فزاینده اقتصادی و سیاسی دچار بود؛ از این رو عده ای از دولت مردان و مجلسیان بر آن شدند تا برای یافتن منابع مالی تازه و رفع مشکلات اقتصادی، جواهرات سلطنتی را رهن بگذارند یا بفروشند. از بُعد سیاسی با اعاده نظام مشروطیت، جواهرات سلطنتی جزو اموال دولتی شد و با توجه به حساسیت افکار عمومی بارها موضوع جواهرات در مجلس شورای ملی مطرح شد و مخالفان احمدشاه با ایجاد شایعاتی درباره سرقت و فروش جواهرات سلطنتی توسط شاه، از جواهرات سلطنتی به عنوان حربه ای برای تخریب سلسله قاجار استفاده کردند.

هدف: بررسی وضعیت جواهرات سلطنتی در طول تحولات سیاسی و اقتصادی دوره احمدشاه قاجار.

روش/ رویکرد پژوهش: روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه ای و اسناد و مدارک آرشئولوژی استفاده شده است. در این روش پس از جمع آوری اطلاعات کافی، این اطلاعات سازمان دهی و تجزیه و تحلیل شده است.

یافته ها و نتیجه گیری: در سیر تحولات سیاسی پس از مشروطه جواهرات سلطنتی جزو دارایی های دولتی شد و تحت نظارت بازوهای نظارتی نظام مشروطه قرار گرفت و رهن گذاری و فروش این جواهرات برای رفع مشکلات اقتصادی کشور، به دلیل اختلاف نظرهای دولت و مجلس، فشار افکار عمومی، و ارزش ملی و فرهنگی این مجموعه عملی نشد و امکان سوءاستفاده از این مجموعه برای دولت ها و شرکت های خارجی میسر نشد. مخالفان دولت قاجار اما با هدف تخریب شاه با شایعه پراکنی، او را به سرقت جواهرات متهم می کردند؛ که البته بررسی اسناد و مدارک نشان می دهد که احمدشاه در این جواهرات تصرفی نکرده است.

کلیدواژه ها: جواهرات سلطنتی؛ احمدشاه؛ مجلس؛ مشروطه؛ اقتصاد.

استناد: سیدبنکدار، سیدمسعود. (۱۴۰۰). جواهرات سلطنتی در منازعات سیاسی سال های سلطنت احمدشاه قاجار (۱۲۸۸-۱۳۰۴ ش.). گنجینه اسناد، ۳۱(۴)، ۳۲-۵۸ | ۱۰،۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱،۲۷۶۰ | doi: ۱۰،۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱،۲۷۶۰

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

sm.sbonakdar@tr.ui.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۲۴»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰،۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۱،۲۷۶۰

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۰ | صص: ۳۲ - ۵۸ (۲۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۴

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

در دوره قاجار از جواهرات سلطنتی با عنوان «اسباب سلطنت» (ساروی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۲؛ شیرازی (خاوری)، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۵؛ ملکم، ۱۳۸۰، ص ۶۳۹) یاد می‌شد. این مجموعه بسیار نفیس شامل جواهرآلات و زرینه‌آلاتی بود که از سلسله‌های پیش از قاجار به این سلسله رسیده بود و در این سلسله نیز از پادشاهی به پادشاه بعدی انتقال می‌یافت. تا پیش از پایان استبداد صغیر، این مجموعه به شخص پادشاه تعلق داشت و به‌طور کامل در تملک او بود. در راستای تلاش‌هایی که دولت مشروطه برای انتظام بخشیدن به وضعیت نابه‌سامان دولت گذشته آغاز کرده بود، اداره محاسبات بیوتات دولتی در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م توسط مرآت‌الممالک و به‌عنوان زیرمجموعه وزارت مالیه ایجاد شد. براساس قانون مقرر شده بود که اداره محاسبات بیوتات نظارتی تام‌وتمام بر حفظ اموال دولتی داشته باشد. پس از پیروزی مشروطه‌خواهان و پایان استبداد صغیر اموالی که در گذشته از آن‌ها با عنوان اموال سلطنتی یاد می‌شد به اموال دولتی تغییر نام داد. این تغییر نام از آن نشان داشت که اموال مزبور متعلق به ملت است و با نظارت نمایندگان ملت، مورد استفاده مقام سلطنت قرار می‌گیرد. به دلیل نبود قانون و نظام اداری مشخص برای نظارت بر اموال دولتی تا پیش از مشروطه، از آن‌ها بعد اداره محاسبات بیوتات زیر نظر وزارت مالیه ایجاد شد تا مجلس بتواند از اهرم نظارتی خود بر وزرای دولتی استفاده کند و برای رفع دغدغه مردم در حفظ این اموال اقدام کند (سیدبنکدار و امامی جمعه، ۱۳۹۸، صص ۸ و ۹).

باوجود مشکلات مالی برای دربار قاجار پادشاهان این سلسله (تا پایان دوره ناصرالدین‌شاه) برای رفع مشکلات مالی خود، از جواهرات سلطنتی استفاده نکردند؛ بلکه هریک سعی داشتند تا اقلامی را بر این مجموعه بیفزایند.

در دوره مشروطه با تغییرات گسترده‌ای که در فضای سیاسی کشور ایجاد شد کارکرد جواهرات سلطنتی و نگاه به آن در حال تغییر بود. در دوره مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه هرچند نقش سنتی جواهرات در مراسم‌هایی مانند تاج‌گذاری حفظ شد، ولی نقش اقتصادی این جواهرات پررنگ‌تر شد. برای نمونه مظفرالدین‌شاه با ذوب کردن زرینه‌آلات، سکه ضرب کرد و از آن‌ها به‌عنوان وثیقه استفاده کرد و محمدعلی‌شاه هم که دست خود را از خزانه کوتاه می‌دید سعی کرد جواهرات سلطنتی را بفروشد و با وثیقه‌گذاشتن آن‌ها وام بگیرد تا با منابع مالی تازه به سرکوب مشروطه‌خواهان بپردازد. او همچنین پس از پناهنده شدن به سفارت روسیه سعی کرد از جواهراتی که در دستش بود به‌عنوان اهرم فشار برای به‌دست آوردن حقوق بیشتر استفاده کند. با پایان استبداد صغیر، مشروطه‌خواهان با دقتی بسیار جواهرات سلطنتی را حسابرسی کردند و در روندی



طولانی تلاش‌هایی را برای بازپس‌گیری جواهرات از شاه و کسانی که جواهرات را به فروش رسانیده بودند و یا به گرو برداشته بودند انجام دادند؛ ولی مجدداً برای کمک به رفع مشکلات اقتصادی کشور مباحثی برای استفاده از جواهرات سلطنتی مطرح شد. از سوی دیگر با توجه به حساسیت و نفاست این مجموعه، بازوهای نظارتی نظام مشروطه بر حفاظت از این مجموعه اهتمام می‌ورزیدند.

پیشینه تحقیق: درباره وضعیت جواهرات سلطنتی در طول تحولات سیاسی و اقتصادی دوره احمدشاه، تاکنون پژوهشی مستقل انجام نشده است؛ از این رو تحقیق پیش‌رو با استناد به اسناد تاریخی و منابع کتاب‌خانه‌ای، پژوهشی نوین محسوب می‌شود.

۲. قیمت‌گذاری جواهرات سلطنتی

پس از پیروزی مشروطه‌خواهان و افتادن قدرت به دست آن‌ها نه تنها مشکلات اقتصادی گذشته به بعد از مشروطه انتقال یافت، بلکه بحران‌های سیاسی نیز بر مشکلات اقتصادی افزوده شد. دولت برای پرداخت هزینه‌ها و قروض خود، به‌ویژه بعد از اتفاقات منجر به خروج محمدعلی میرزا از کشور، دچار بی‌پولی و رکود اقتصادی زیادی شده بود و دول روس و انگلیس نیز برای زیر فشار قراردادن دولت ایران از این اهرم فشار استفاده می‌کردند. در همان ایام خروج محمدعلی میرزا از کشور، هیئت‌مدیره^۱ رأی داد که چون کشور منابع درآمد زیادی ندارد، برای تأمین پول برای انجام اصلاحات، جواهرات سلطنتی را گرو بگذارند. بدین منظور هیئت‌مدیره، پس از انجام تحقیقات، جواهرشناسی فرانسوی را از بین افراد پیشنهاد شده انتخاب کرد تا جواهرات سلطنتی را تقویم^۲ و کارشناسی کند. قرار بود این کارشناسی در حدود یک ماه و با هزینه‌ای معادل بیست و پنج هزار فرانک فرانسه انجام شود. مَقوم^۳ انتخاب شده، مسیو ژرژ فالکونبرگ بود که سفیر ایران در پاریس (عبدالصمدخان ممتازالسلطنه) او را به وزارت امور خارجه معرفی کرده بود. او در ربیع‌الاول ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م به تهران رسید (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۶۵، پ ۲، صص ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲). البته در این قیمت‌گذاری بنابه صلاح‌دید امنای دولت و دربار، جواهرات معروف موجود در خزانه جواهرات سلطنتی ایران نظیر دریای نور، تاج کیانی، تخت طاووس و تخت نادری برخلاف میل شدید مَقوم برای معاینه و قیمت‌گذاری، به رؤیت او نرسید و قیمت‌گذاری نشد و این موضوع باعث ناراحتی مَقوم فرانسوی شد. حضور کارشناسان فرانسوی در جریان قیمت‌گذاری جواهرات سلطنتی در ایران باعث شده بود که آن‌ها طی مراجعات مکرر، خرید جواهرات سلطنتی ایران را خواستار شوند. سفیر ایران نیز

۱. در پس از سقوط استبداد صغیر از آنجاکه مجلس شورای ملی برای تشکیل دولت قانونی وجود نداشت، از گردانندگان امور کشور که متشکل از مشروطه‌خواهان بودند تا ایجاد کابینه و دولت قانونی برای مدتی تحت عنوان هیئت‌مدیره یا هیئت‌مدیره موقت یاد می‌شد.

۲. تقویم: برآورد (قیمت): تخمین؛ ارزیابی.



باتوجه به شنیده‌های خود از مسیو فالكونبرگ مبنی بر تصمیم دولت ایران برای رهن‌گذاران جواهرات در مرحله اول و سپس فروش آن‌ها در گام بعدی بیان داشت که این تصمیمی مناسب است و برای رفع فوری مشکل بی‌پولی باید ابتدا بخشی از جواهرات را به رهن گذاشت تا فرصتی مناسب برای بازاریابی و عرضه کامل جواهرات فراهم شود (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۱۵، پ ۱، ص ۱۲۷).

از آنجاکه برای وثیقه قراردادن جواهرات تعیین دقیق قیمت جواهرات ضروری بود، هیئت موقت، هزینه کارشناسی را قبول کرد؛ ولی برای آن‌که کارشناس فرانسوی نتواند ارزش کل مجموعه را -که بسیار محرمانه بود- ارزیابی کند، تصمیم گرفته شد که او حق نداشته باشد هیچ یادداشتی بردارد و تنها قیمت تک‌تک اشیاء را روی کاغذ بنویسد و به مأموران دولت تحویل بدهد (تقی‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸). بنابه تشخیص وزارت دربار تمام صورت‌های جواهرات که در حدود بیست میلیون فرانک تقویم شده بودند به صورت محرمانه در صندوق‌های جواهرات خزانه اندرون قرار داده شدند (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۱۵، پ ۱، ص ۱۲۷؛ ۱۳۲۸، ک ۶۵، پ ۲، صص ۱۷، ۲۹، ۵۵).

دعوت از کارشناس فرانسوی و تقویم جواهرات و احتمال فروش جواهرات سلطنتی، مأموران دولت‌های خارجی به‌ویژه روس و انگلیس را هم به تکاپو انداخته بود تا اگر بتوانند از این نمد کلاهی برای دولت متبوع خویش تهیه کنند؛ از این رو آن‌ها در گزارش‌های محرمانه خود، اخبار دریافتی مربوط به قیمت‌گذاری جواهرات سلطنتی ایران را به دولت‌های خویش مکاتبه می‌کردند. سفیر روسیه در واکنش به این امر، در گزارش خود به مقامات روسی نوشت: «دولت مرکزی [ایران] با روزی سه هزار تومان، دو هزار تومان از ضراب‌خانه [و] روزی حدود یک‌هزار تومان از درآمد دروازه‌های شهر پابرجاست؛ به جز آن، دارائی دولت عبارت است از سهم شرکت در تأسیسات نفتی داری و جواهرات خزانه سلطنتی. برای اولی تا یک کرور به دولت پیشنهاد شده‌است. ارزش [این] جواهرات به‌زودی تعیین خواهد شد؛ چون یکی از مهم‌ترین قیمت‌گذاران پاریس برای تعیین قیمت جواهرات دعوت شده‌است، زیرا دولت ایران مایل است افزایش قیمت را ثبت کند (تا ۵۰ کرور). چون تمایل دولت به معامله مالی با اشخاص مشاهده شد، هیئت‌های نمایندگی روس و انگلیس روز دوم مارس [...] اعتراضی برضد هرگونه جداکردن هر منبعی از درآمدهای دولتی تا پایان یافتن تعهدات کوتاه‌مدت پیشین ایران در برابر انگلیس و روسیه به دولت دادند» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸، صص ۶۸ و ۶۹).

در چنین فضایی جواهرشناس فرانسوی به تقویم جواهرات ادامه داد. طبق اطلاعاتی که سفیر روسیه مخابره کرد، جواهرشناس فرانسوی با وجود محدودیت‌هایی که دولت



ایران برای جلوگیری از تعیین قیمت کلی جواهرات سلطنتی و محرمانه ماندن رقم آن انجام داده بود، به سفیر فرانسه بیان داشت که تصور می کند درازای تمام آنچه او دیده است می توان مبلغ بیست میلیون فرانک دریافت کرد. او به گفته خودش قیمت ها را در سطحی بسیار پایین قرار داده بود و برای سنگ هایی که نمی توانسته بود قیمتی تعیین کند، حداقل بها را منظور داشته بود (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸، صص ۸۲، ۸۵، ۸۸، ۸۹).

قیمت بیست میلیون فرانک مذکور البته هیچ گاه از سوی هیچ منبع رسمی اعلام نشد و مشخص نشد که این مبلغ در مقابل چه میزان از موجودی مجموعه جواهرات سلطنتی ایران بیان شده است. البته منابع به قیمت بعضی از اقلام مجموعه اشاراتی کرده بودند. برای نمونه تاج کیانی را یک میلیون و دویست هزار فرانک، دریای نور را سیصد هزار فرانک و کره جواهر نشان را دوازده میلیون فرانک برآورد کرده بودند (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸، ص ۷۸؛ تقی زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸). البته همان گونه که پیشتر هم بیان شد چون آثار زبده مجموعه را به قیمت گذار نشان نداده بودند، این ارقام تخمینی چندان دقیق و مطمئن به نظر نمی رسد.

۳. تلاش برای رهن گذاردن و فروش جواهرات سلطنتی با هدف دریافت منابع مالی

با تشکیل مجلس دوره دوم، بر سر موضوع وام گرفتن در مقابل جواهرات بین وکلاء دودستگی ایجاد شد. در یک طرف نمایندگان مانند نواب و سید نصرالله با گروه گذاشتن جواهرات مخالف بودند و در طرف دیگر نمایندگان مانند تقی زاده با گروه گذاشتن جواهرات موافق بودند؛ وزرای دولت هم در گروه موافقان بودند. مخالفان برای نشان دادن مخالفت خود، به حالت قهر چند روز در جلسات مجلس حاضر نشدند و اظهار داشتند: «این همه مذمت به محمدعلی میرزا برای گروه گذاشتن جواهرات و آن همه بدگویی، پس برای چه بود؟» (عین السلطنه، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۸۲۳). از طرف دیگر افکار عمومی هم با گروه گذاشتن جواهرات سلطنتی و دریافت وام خارجی مخالف بود (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸، صص ۷۹، ۹۰، ۹۱). در رمضان ۱۳۲۸ ق کارگزار وزارت امور خارجه ایران در لندن، ضمن سؤال درباره تصمیم دولت ایران در زمینه جواهرات سلطنتی، از قول وزیرمختار انگلیس بیان کرد که «این دفعه به دولت علیه بدون شرط قرض خواهند داد» (استادوخ، ۱۳۲۸، ک ۴۴، پ ۵، ص ۱۷).

در تلگرافی رمزی به پاریس، گفته شده بود که مقداری از جواهرات تقویم شده را براساس قیمت موقوم در یکی از بانک های خارجی به گروه بگذارند و پنج میلیون فرانک با فرع صدی پنج دریافت کنند. در این پیشنهاد حتی گفته شده بود که می توان جواهرات



را سربه‌مهر نزد بانک شاهنشاهی در تهران به امانت سپرد (استادوخ، ۱۳۲۹، ک ۵۲، پ ۴۵، ص ۷۶). بروز این شایعات باعث شده بود تا خریداران جواهر پیشنهادهای خود را برای خرید جواهرات سلطنتی به سفارت‌خانه‌های ایران عرضه دارند. برای نمونه شارل‌نامی از کشور فرانسه به سفارت ایران در پاریس گفته بود که در صورت تصمیم دولت ایران برای فروش جواهرات دولتی او حاضر است جواهرات ایران را به بهترین قیمت بخرد و برای پرداخت وجه آن بانک‌های فرانسوی را ضامن قرار دهد (استادوخ، ۱۳۲۹، ک ۱۵، پ ۳، صص ۱۶ و ۲۲). با این‌همه، طرح به‌وثیقه‌گذاشتن و یا فروش جواهرات سلطنتی در آن زمان تحت تأثیر فشار افکار عمومی و خطرات و مشکلاتی که ممکن بود در اثر اقدام به این امر پدید آید عملی نشد.

با گذشت مدتی باز در خلال اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا (در کتاب آبی) دوباره از فروش جواهرات سلطنتی ایران صحبت شد. در ادامه مشکلات فزاینده اقتصادی دولت ایران و همراهی نکردن دولت روسیه و انگلیس برای برون‌رفت از این بحران، دوباره موضوع استفاده از جواهرات سلطنتی مطرح شد. سفیر ایران در لندن در تلگرافی رمزی به تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۰ ق/ ۸ آگوست ۱۹۱۲ م به وزارت خارجه نوشت که دولت روس و انگلیس برای مساعدت به دولت ایران اقدامی نخواهند کرد؛ زیرا که آن‌ها بیان می‌دارند که عملاً دولت مقتدری در این دوره در ایران وجود ندارد و اگر هم که این دولت‌ها به ایران قرضی بدهند، برای یافتن تأمینات مناسب برای قرض مزبور تردیدهای زیادی دارند. دولت بریتانیا اضافه کرده بود که گرفتن استقراض خارجی در ایران به مصوبه مجلس شورای ملی منوط است و از آنجاکه در این زمان مجلسی وجود ندارد، دریافت این مجوز نیز امکان‌پذیر نیست. بر این اساس سفیر ایران در لندن، میرزاهدی‌خان علاء (مشیرالملک) پرسیده بود: «علت چیست که از جواهرات استفاده نمی‌شود؟ عقیده تمام خیرخواهان بر این است که در این موقع تنگ و اجتناب از شرایط مهلک، استفاده از جواهرات اَسَلَم شقوق است» (استادوخ، ۱۳۳۰، ک ۲۵، پ ۳۸، صص ۹ و ۱۰). سفیر ایران در واشنگتن نیز در نامه‌ای به تاریخ ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ ق/ ۱۱ آوریل ۱۹۱۲ م به وزارت امور خارجه، ضمن برشمردن وضعیت نامناسب اقتصادی کشور و صحبت از گرانی و بی‌پولی و پریشانی اوضاع مملکت بیان داشته بود که در واشنگتن شایعه شده‌است که دولت ایران قصد دارد مقداری از جواهرات سلطنتی را به مبلغ پنجاه هزار تومان نزد بانک‌های روسیه و انگلیس به رهن بگذارد؛ ولی هنوز این امر مقدور نشده‌است. او در ادامه اضافه کرده بود که اگر دولت تصمیم دارد جواهرات را بفروشد یا رهن بگذارد، بهترین مکان برای فروش و عرضه‌داشتن این جواهرات آمریکا خواهد بود. او در پایان نامه خود پیشنهاد داده بود که تا



متمولان آمریکایی به بیلاق نرفته‌اند و پراکنده نشده‌اند می‌بایست دربارهٔ فروش جواهرات تصمیم‌گیری کرد. خوشبختانه پاسخ دولت ایران به این پیشنهادها منفی بود و این شایعات را تکذیب کرد (استادوخ، ۱۳۳۰، ک ۲۱، پ ۲، صص ۴-۸).

سرادورد گری، وزیر خارجهٔ بریتانیا، در تلگراف خود به سر جارج بیوکانون در تاریخ ۸ اوت ۱۹۱۲ م/ ۲۴ شعبان ۱۳۳۰ ق نوشت: «دسته [ای] برای خرید جواهرات دولتی ایران تشکیل شده‌است و به ما هم در این باب رجوع شده‌است. اگر دولت ایران مایل به فروش باشند، تکلیف دولتین این نیست که از آن‌ها ممانعت کنند؛ بلکه خود مُمدِّ این کار شده و معاملهٔ مذکور را در تحت بعضی شرایط تسهیل نمایند؛ و گرنه فروش آن‌ها از روی تقلب به عمل آمده و به هیچ‌کس فایده‌ای نخواهد رسید. فعلاً به‌طور بد، در امور، دور و تسلسلی حاصل شده، هیچ‌کس حاضر پول‌دادن به دولت ایران نیست؛ مگر آنکه دولت مشارالیه‌ها خانهٔ خود را نظم دهد و در اوضاع مملکت بهبودی حاصل نتواند شد، مگر به رسیدن پول. دولتین ممکن است ترتیب فروش جواهرات را داده مساعده‌های جزئی خود را از آن برداشته و برای مصرفِ باقی پول بعضی شرایط قرار دهند» (کتاب آبی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۷۶).

فردای آن روز در ۹ اوت ۱۹۱۲ م/ ۱۳۳۱ ق سر جارج بیوکانون در تلگرافی در پاسخ به پیشنهاد سرادورد گری بیان داشت: «... مسیو سازانف ارائهٔ طریق شما را کاملاً تصویب می‌کند و حاضر است به سفیر روسی تعلیم دهد که با سروالتر تنلی دریاب بهترین طریقی که بنابر میل شما ترتیب اثری به آن داده شود مشورت نماید. اگر دولت ایران بر مداخلهٔ دولتین اعتراض داشته باشند ما می‌توانیم خاطر نشان نماییم که اگر فروش آن‌ها به ما واگذار شود، جواهرات مذکور به‌قیمت بهتری به فروش خواهد رسید تا آنکه خود دولت با این ورشکستگی حالیه در صدد تحصیل خریداری برآیند» (کتاب آبی، ۱۳۶۹، صص ۱۸۷۶ و ۱۸۷۷). خوشبختانه با وجود اقدامات دولتین روس و انگلیس، دولت ایران چندان به فروش جواهرات سلطنتی روی خوش نشان نداد و این طرح عملی نشد (کتاب آبی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۰۶).

طبق نوشتهٔ یسلسون براساس آنچه در اسناد آرشیو ملی آمریکا انعکاس یافته‌است، دوباره موضوع وثیقه‌گذاشتن جواهرات سلطنتی ایران برای دریافت وام مطرح شد. کالدول سفیر آمریکا در تهران پس از شروع جنگ در اروپا به وزارت خارجهٔ آمریکا اطلاع داد که اضمحلال تجارت ایران ممکن است دولت ایران را به فروش جواهرات سلطنتی خود در آمریکا مجبور کند. کالدول تقریباً یک سال بعد، تلگرامی محرمانه به واشنگتن فرستاد و اعلام کرد که ایران مایل است وامی در حدود ده تا بیست میلیون دلار آمریکا دریافت کند. او اضافه کرد که بسیاری از حکومت‌های در حال جنگ اروپا به پرداخت این وام

به ایران حاضر شده‌اند؛ ولی حکومت ایران ترجیح می‌دهد این پول را از ایالات متحده آمریکا دریافت کند. در ضمن جواهراتی به ارزش تقریبی سی و پنج میلیون دلار پشتوانه این وام است که می‌توان مستقیماً آن‌ها را خرید و یا به‌طور جنبی به‌عنوان پشتوانه پذیرفت. قرار بود این مذاکرات کاملاً محرمانه انجام شود. در تحقیقی که خزانه‌داری کنگره انجام داد معلوم شد که کانون بانکداری ردموند و شرکاء در نیویورک مایل است در این معامله شرکت کند؛ ولی طبیعتاً علاقه‌مند است بداند که موقعیت جواهرات و محل نگهداری آن‌ها کجاست. سفیر پاسخ داد که جواهرات در تهران است و دولت ایران مایل است آن‌ها را ارزیابی کند و سپس می‌توان آن‌ها را با هدف حفاظت بهتر با کشتی به نیویورک یا هر جای دیگر فرستاد. ایرانیان وامی سی ساله به مبلغ ده میلیون دلار و با سود ۴ درصد می‌خواستند؛ در صورتی که کالدول احساس می‌کرد وام‌دهندگان می‌توانند بهره را تا ۵ درصد هم افزایش دهند. این مذاکرات محرمانه نهایتاً در ماه مه ۱۹۱۶م/۱۳۳۴ق به دلیل دخالت‌های دول روس و انگلیس در امور مالی ایران قطع شد و به نتیجه‌ای نرسید (یسلسون، ۱۳۳۸، صص ۱۹۱ و ۱۹۲). آنچه ذکر شد براساس اسناد نقل شده از دولت آمریکاست و در منابع داخلی مطلبی مربوط به جریان وام مذکور تاکنون مشاهده نشده‌است.

باین‌همه اندیشه فروش جواهرات سلطنتی و بهره‌برداری مالی از آن‌ها تا اواخر دوره قاجار در میان عده‌ای از متصدیان امور وجود داشته‌است؛ به‌گونه‌ای که در سندی مربوط به سال ۱۳۴۳ق/۱۹۲۴م، از فروش جواهرات سلطنتی به مبلغ هفت میلیون لیره برای ساخت راه‌آهن صحبت می‌شود. نویسنده این سند در نامه‌ای به رئیس مجلس با این نظر مخالفت می‌کند و ضمن تأکید بر ارزش تاریخی و ملی این مجموعه می‌نویسد: «وقتی که شروع به فروختن بشود این قیمت را نخواهد آورد [...]، زیرا نصف مخارج راه‌آهن را در نمی‌آورد و آنچه به‌دست بیاید تفریط خواهد شد» (متما، ۳۱-۴۴-۱۴۴-م).

باری، خوشبختانه در هیچ‌یک از موارد مذکور جواهرات سلطنتی بار دیگر (بعداً) اتفاقات دوره محمدعلی شاه) به وثیقه نرفت. حساسیت زیاد افکار عمومی به جواهرات سلطنتی در این ایام، یکی از دلایل اصلی ناکامی طرفداران طرح به‌وثیقه‌گذاشتن جواهرات سلطنتی بود. این حساسیت عمومی و ترس از واکنش‌های متعاقب آن، دولتیان و گروه‌های طرف معامله را بسیار محتاط می‌کرد؛ خاصه آنکه عملی شدن یک‌چنین طرحی براساس قانون اساسی مشروطه، مستلزم تصویب آن در مجلس شورای ملی و به‌دنبال آن علنی شدن این موضوع بود.



۴. تلاش‌های اداره محاسبات بیوتات دولتی برای حفظ جواهرات سلطنتی

در جریان فتح تهران و امور مربوط به خروج محمدعلی شاه از کشور و رسیدگی به وضعیت جواهرات دولتی توسط هیئت‌مدیره موقت، جواهرات دولتی تاحدزیادی نظم و ترتیب یافت و صورت‌های جدیدی از جواهرات موجود در خزانه تهیه شد. در این اقدامات، تمام جواهرات از بخش‌های مختلف بیوتات جمع‌آوری شد و پس از صورت‌برداری، در خزانه اندرون قرار داده شد. تنها مقداری از جواهرات برای مصارف روزمره احمدشاه جدا شد و با ثبت و سند به رئیس صندوق‌خانه تحویل داده شد. ولی این نظم و ترتیب زیاد دوام نیاورد؛ به طوری که پس از مدتی در جریان تاج‌گذاری احمدشاه بخش مهمی از جواهرات از خزانه اندرون استخراج شد و موقع بازگرداندن به دلیل رعایت‌نشدن نظم سابق به بی‌نظمی دچار شد (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، ص ۱۰۸).

ازسوی دیگر احمدشاه نیز در موارد متعددی استخراج تعدادی از جواهرات از خزانه اندرون و صندوق‌خانه را درخواست کرده بود. این جواهرات پس از استخراج، بدون ارائه قبض و سند و تنها با درخواست شفاهی شاه به او و خزانه اندرونش تحویل شده بود. جواهرات استخراج‌شده از خزانه اندرون، در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م شامل جواهراتی نظیر انگشترهای جواهر و تسبیح‌های مروارید فوق‌العاده ارزش‌مند بود (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۲۶).

این جریان‌ات موجب نگرانی رئیس اداره محاسبات بیوتات دولتی شده بود. اداره محاسبات بیوتات دولتی را مرآت‌الممالک در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م به‌عنوان زیرمجموعه وزارت مالیه ایجاد کرد. براساس قانون مقرر شده بود اداره محاسبات بیوتات بر حفظ اموال دولتی تام‌وتمام نظارت داشته باشد (سیدبنکدار و امامی جمعه، ۱۳۹۸، ص ۸). یکی از اولین گزارش‌ها در رابطه با این بی‌نظمی‌ها نامه‌ای است که در آن رئیس اداره محاسبات بیوتات دولتی (موسی مرآت‌الممالک) به وزیر مالیه متذکر می‌شود که هدایای ارسال‌شده از سراسر جهان برای تاج‌گذاری احمدشاه به دولت تعلق دارد؛ ولی باین‌همه وزارت دربار صورتی از این هدایا را به اداره محاسبات بیوتات دولتی ارائه نکرده‌است (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳).

مرآت‌الممالک در ادامه گزارش‌هایش به وزیر مالیه، در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م به جواهراتی اشاره کرد که از خزانه اندرون خارج شده بود و بنابه دستور شاه به صندوق‌خانه تحویل شده بود. بنابر گزارش مرآت‌الممالک، براساس ابلاغیه وزارت دربار و بدون هماهنگی با اداره محاسبات بیوتات برخی جواهرات در صندوق‌خانه شکسته شده بود و یا تغییر شکل داده شده بود و از آن‌ها جواهرات تازه‌ای ساخته شده بود؛ مثلاً

انگشتر را به سنجاق یا سنجاق را به انگشتر تبدیل کرده بودند. مرآت‌الممالک در توضیح روند متداول در بیوتات دربار برای انجام چنین تغییراتی، نوشت که برای تبدیل جواهرات ابتدا دست‌خط شاه برای مستوفی بیوتات فرستاده می‌شد و مستوفی پس از بررسی، آن را در اسناد ثبت می‌کرد: «رسم این بوده که قبل از اقدام، دست‌خط آفتاب‌نقط^۱ ملوکانه برای سند خرج مستوفی بیوتات صادر [می‌شده] و پس از ضبط دست‌خط جهان‌مطاع^۲ مستوفی عمل سند خرج به صندوق‌خانه یا سایر بیوتات خاصه داده و در جزو ثبت و سررشته، این قبیل تغییر و تبدیلات را به اصطلاح اهل سیاق تعرض و یادداشت می‌کرده‌اند که در موقع رسیدگی و رجوع با وجود سند در دفتر محقق و معلوم باشد» (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶). او در نامه خود متذکر شده بود که با انجام چنین اقدامات خودسرانه‌ای نظم چندساله‌ای که اداره محاسبات بیوتات برای جواهرات دولتی برقرار کرده بود بر هم خورده‌است و با ادامه این روند، او از خود و اداره‌اش درقبال این بی‌نظمی‌ها سلب مسئولیت می‌کند. وزیر مالیه در پاسخ به او بیان داشت که با وزارت دربار صحبت شد و مقرر شد روند سابق در تغییر جواهرات رعایت شود (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰).

با وجود این تأکیدات، براساس اسناد موجود مشخص می‌شود که عملاً تغییر رویه‌ای برای اصلاح بی‌نظمی‌ها روی نمی‌دهد؛ چراکه رئیس اداره محاسبات ناامید از وزارت مالیه، گزارشی مفصل درباره نابه‌سامانی‌های بیوتات سلطنتی به وزیر دربار ارسال می‌کند. او بیان می‌دارد: «ترتیب و اوضاع حالیه به مراتب از هر دوره [ای] که تصور شود بی‌نظم‌تر و مغشوش‌تر است و شاید تاکنون [در] هیچ عصری عمل اثاثه و اموال دولتی این‌طور بی‌نظم و بی‌صاحب [و] بی‌پرسش [و] بدون مسئولیت نبوده‌است» (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، ص ۱۲۱). او درباره وضعیت جواهرات خزانه اندرون و صندوق‌خانه توضیح داد که مقداری از جواهرات که از ربیع‌الاول ۱۳۳۲ق تا ذی‌الحجه ۱۳۳۳ق / ۱۹۱۴م-۱۹۱۵م از خزانه استخراج شده‌است، تاکنون بلا تکلیف و بدون ثبت و سند باقی مانده‌است. مرآت‌الممالک توضیح داد که احمدشاه در جمادی‌الآخر ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۷م بخش زیادی از جواهرات را به رئیس صندوق‌خانه‌اش (عدل‌السلطنه) تحویل داده بود؛ باین حال مقداری از جواهرات استخراج شده کسر بودند و افزون بر آن، صورت جواهرات تحویل داده شده به صندوق‌خانه نیز به اداره محاسبات اعلام نشده بود (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۲۲ و ۱۲۳).

در هشت برگه، صورت دقیق ۷۵ قلم جواهراتی که طی ده مرتبه مراجعه به خزانه اندرون استخراج شده‌اند، در تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ق / ۱۸ نوامبر ۱۹۲۰م ثبت شده‌است. در تاریخ ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۷م احمدشاه قاجار ۱۰۸ قطعه از جواهرات نفیس را طی صورت دقیق یازده صفحه‌ای به رئیس صندوق‌خانه تحویل داد. این جواهرات شامل

۱. دست‌خط آفتاب‌نقط: دست‌خطی که مانند ذرات آفتاب زیبا و درخشان است.



جواهرات صندوق‌خانه و هم‌چنین جواهرات استخراج‌شده از خزانه اندرون بود (ساکما، مصاحبه تاریخ شفاهی با نصرت‌الله خازنی، شماره‌ثبت مصاحبه: ۶۷۳، در تاریخ ۸۲/۴/۱ توسط نیک‌نفس، ضمیمه شماره ۱۶۴).

رئیس محاسبات بیوتات بیشتر این نابه‌سامانی را از چشم وزارت دربار می‌دید و این نکته را در گزارشی به وزیر مالیه اعلام داشت (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰). پاسخ وزیر مالیه به مرآت‌الممالک ارائه گزارش‌های مجدد بود (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۰۴ و ۱۱۴)؛ به‌گونه‌ای که مرآت‌الممالک جواب داد: «گاه‌وبی‌گاه کتباً و شفهاً هر امری را به‌عرض رسانیده‌است؛ بالغرض اینکه یک یا چند صورت دیگر هم تقدیم بشود، پس از مدتی مفقود و بلااثر خواهند ماند... و الا این مبادله کاغذ و این بحران‌های مملکت‌کش هرگز نخواهد گذارد که کوچک‌ترین امری صورت اصلاح پذیرد، چنان‌که تابه‌حال هم نگذارده و نخواهد گذارد» (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۱۸) «و الا مادام که مقصود مبادله کاغذ باشد کماکان تعویق و تعطیل برقرار خواهد بود» (ساکما، ۲۴۰/۷۱۲۶، صص ۱۱۵).

تا سال ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م دیگر صحبت عمده‌ای از جواهرات سلطنتی به میان نیامد؛ باین‌همه چنان‌که در مطالب پیش‌رو بدان پرداخته خواهد شد، هنوز تکلیف برخی از اقلام جواهرات روشن نشده بود.

۵. نقش مجلس چهارم در حفظ و نگهداری جواهرات سلطنتی

در این سال دوباره بحث رسیدگی به جواهرات به‌طور جدید در مجلس شورای ملی مطرح شد. مشروطه‌خواهان و نمایندگان ملت پس از واقعه پناهندگی محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه، با پیگیری‌های خود توانستند یکی از مهم‌ترین نمادهای سیاسی قدرت پادشاه و پشتوانه مالی و اقتصادی او را در اختیار خود قرار دهند. وکلای مجلس هم‌چنین بارها از حق قانونی در رسیدگی به وضعیت جواهرات سلطنتی استفاده کردند.

اخبار مربوط به طرح سؤال نمایندگان درباره بررسی جواهرات بلا تکلیف در نزد احمدشاه موجب شد تا این مسئله در جلسه هیئت وزراء (مورخ ۴ دلو ۱۳۰۰ق/۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۰ق/۲۴ ژانویه ۱۹۲۲م) مطرح شود. در این جلسه کفیل وزارت دارایی صورتی را قرائت کرد که اداره محاسبات دولتی از جواهرات نزد شاه تهیه کرده بود که شاه درقبال آن‌ها سندی تحویل نداده بود و مقرر شد تا رئیس‌الوزراء به‌توسط شاهزاده شهاب‌الدوله از شاه تقاضا کند که اسناد مربوط به تحویل جواهرات نزد خودش را امضاء کند (متما، ۶۸۷۶، صص ۱۰۶). دو روز بعد، رئیس‌الوزراء در جلسه هیئت وزراء درباره مذاکراتش با

شاه در خصوص دریافت قبوض جواهرات برای سند خرج محاسبات بیوتات بیان داشت که شاه پاسخ داده است که این جواهرات فعلاً در سوئیس [سوئیس] است و چون امکان دسترسی به آنها نیست، تحویل صورت دقیق نیز مشکل می‌نماید. او خواستار آن شده بود که بعد از سفر به سوئیس، اسناد را تحویل دهد؛ با این همه شاه گفته بود در صورت اصرار دولت به هر وسیله‌ای اسناد را تهیه می‌کند. رئیس‌الوزرا به شاه پاسخ داده بود که چون این موضوع هم‌اکنون مطرح شده است و اداره محاسبات بیوتات نیز پیگیر دریافت قبوض است، صورت خوشی ندارد که شاه ارائه قبوض را به آینده موکول کند. شاه بیان داشته بود که این جواهرات قیمت آنچنانی نیز نداشته‌اند. ولی رئیس‌الوزراء بر اساس اطلاعات اداره محاسبات بیوتات بیان داشته بود که تنها ارزش سه رشته از تسبیح‌های مروارید از میان این جواهرات سه کروور است. شاه ارزش این تسبیح‌ها را هفتاد و پنج هزار تومان اعلام کرد و افزود من اقرار می‌کنم که این تسبیح‌ها در نزد من است. شاه پس از مذاکرات بسیار و در برابر اصرار رئیس‌الوزراء درباره ارائه قبوض جواهرات، گفته بود اسناد را قبل از حرکت سفر فرنگ تحویل خواهد داد. با این همه در فردای روز حرکت نیز اسناد را تهیه نکرده بود و گفته بود اسناد را در کرمانشاه به وزیر جنگ خواهد داد. از این رو به وزیر جنگ تلگراف زده شد که اسناد مربوطه را از شاه درخواست کند (متما، ب ۶۸۷۶، ص ۱۰۷). در ۱۱ برج دلو وزیر جنگ تلگراف زد که شاه در کرمانشاه گفته است که اسناد را در قصر شیرین تحویل خواهد داد. رئیس‌الوزراء نیز در تلگرافی به وزیر جنگ پیگیری مجدانه برای دریافت اسناد جواهرات را خواستار شد (متما، ب ۶۸۷۶، ص ۱۱۳).

از طرف دیگر با توجه به انجام نشدن اقدامی مؤثر، نمایندگان مجلس شورای ملی طرح سؤال از دولت را عملی کردند. حاج شیخ اسدالله، و حاج محمد تقی وکیل‌الرعا یا از جمله این نمایندگان بودند که در هفتاد و دومین جلسه مجلس چهارم، مورخ ششم حوت ۱۳۰۰ ش/ ۲۵ فوریه ۱۹۲۲ م از رئیس‌الوزراء (مشیرالدوله) وزیر مالیه درباره وضعیت جواهرات سلطنتی سؤال کردند (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲؛ کمام، ۲/۱۳۰/۳/۱/۹۷/۱؛ ۲/۱۳۰/۳/۶/۹۷/۱۱؛ ۲/۱۳۰/۳/۱۶/۱۴؛ ۴/۲۹/۱۶/۱/۱۴؛ متما، ۱۵/۱-۴-۲-۱۳۲ م).

در این سؤال پرسش‌هایی در چند بخش درباره جواهرات سلطنتی تنظیم شده بود. پرسش‌هایی نظیر چگونگی روند بازپس‌گیری جواهرات از شاه سابق، آزادسازی جواهرات از وثیقه تجار و بانک استقراضی، جواهرات فروخته شده توسط کامران میرزا، فضای نامناسب و مرطوب محل نگهداری جواهرات و حتی پرسش‌هایی درباره میزان و مقدار جواهرات سلطنتی و وضعیت نگهداری جواهراتی که هیئت‌مدیره وقت برای استفاده در مراسم تشریفات به احمدشاه اختصاص داده بود (مشروح مذاکرات مجلس



شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲؛ کام، ۱۲/۳۴/۶/۱/۲۹؛ عین السلطنه، ۱۳۷۷، ج ۸، صص ۶۳۴۵، ۶۳۴۶؛ اسناد روحانیت و مجلس، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۴۱؛ ممتا، ۱۷-۱۵-۴-۲-۱۳۲۲م).

اریاب کی خسرو در بخشی از سخنان خود به ذکر جزئیاتی دقیق از جواهرات کسر شده و بلا تکلیف پرداخت که به نظر می‌رسید این اطلاعات دقیق از سوی اداره محاسبات بیوتات به دست او رسیده است. او ضمن توضیح دقیق دوازده قطعه از جواهرات خارج شده از خزانه بیان داشت: «شنیده می‌شود در ظرف سنوات اخیره یک جعبه از جواهرات ایران در یکی از بانک‌های سویس به اسم عباس نام امانت سپرده شده است. آیا دولت از آن جعبه چه اطلاع دارد و آن جعبه را کی سپرده است؟» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲؛ ممتا، ۱۶۱-۴-۲-۱۳۲۲م).

در جلسه‌ای که بدین منظور تشکیل شد، رئیس‌الوزرا با بیان اینکه از قبل به او اطلاع داده نشده بود که نماینده مزبور وارد جزئیات مربوط به جواهرات سلطنتی خواهد شد، از دادن پاسخ‌های دقیق و مفصل امتناع ورزید و فقط به‌طور کلی بیان داشت: «کمیسونی برای رسیدگی به خزانه دربار و هم‌چنین ذخایر سلطنتی معین خواهد شد و تحقیق خواهند نمود محل‌هایی که ذخایر هست مناسب دارد یا ندارد؟ [...]» و از نمایندگان خواست تا بقیه سؤالاتشان در این باره را به دولت بدهند تا نتیجه به عرض مجلس برسد (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۲؛ ممتا، ۱۶-۴-۲-۱۳۲۲م). رئیس مجلس در ۱۳ حوت سؤالات ارباب کی خسرو را به ریاست وزراء و به‌دنبال آن وزارت مالیه ارسال کرد (ساکما، ۲۴۰/۱۹۹۸۷، صص ۸۹ و ۹۱).

نمایندگانی که از پاسخ‌های رئیس‌الوزراء قانع نشده بودند، در جلسات بعدی مجلس هم پاسخ‌گویی و رسیدگی رئیس‌الوزراء به این موضوع را خواستار شدند. ارباب کی خسرو در جلسه ۷۷ مجلس در سال ۱۳۴۰ ق/۱۹۲۱ م اعتراض خود را به پاسخ‌گونی نبودن به‌موقع رئیس‌الوزراء و وزارت مالیه در زمینه جواهرات سلطنتی بیان داشت. البته در همان جلسه، نامه درخواست معرفی سه تن از نمایندگان مجلس شورای ملی برای شرکت در کمیسیون بررسی جواهرات سلطنتی قرائت شد (شرح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۷). در این نامه، ریاست وزراء از آقایان مساوات، حاج شیخ اسدالله و ارباب کی خسرو دعوت کرد تا در صورت تصویب مجلس شورای ملی، از طرف این مجلس به‌عضویت کمیسیون رسیدگی به جواهرات و ذخایر سلطنتی منصوب شوند (کمام، ۴/۲۴/۱۱/۱/۸). از سوی هیئت وزرا نیز وزیر دربار، وزیر جنگ، وزیر مالیه، مرآت‌الممالک و مفتاح‌الملک انتخاب شدند (ساکما، ۲۴۰/۱۹۹۸۷، ص ۹۰).



اخبار این مذاکرات و تصمیم مجلس برای رسیدگی کمیسیون به جواهرات سلطنتی به گوش شاه نیز رسیده بود و موجب شده بود که او در سفر فرنگ مکرراً درباره اقدامات کمیسیون و علت تصمیم به جابه‌جایی محل نگهداری جواهرات از رئیس‌الوزراء (مشیرالدوله) سؤال کند. مشیرالدوله به شاه پاسخ داد که تصمیم به تغییر محل جواهرات به علت رطوبت زیاد مکان فعلی و در همان فضای خزانه اندرون است. او درباره رسیدگی به ثبت و صورت‌های جواهرات نیز همکاری وزیر دربار را خواستار شد (متما، ن ۵۵۲۵۰، ن ۵۵۲۵۲، ن ۵۵۲۵۳، ن ۵۵۲۵۴، ن ۵۵۲۵۵) و تأکید کرد که برای «اسکات و کلا و افکار، لازم است اقدام معجل بشود» (متما، ن ۵۵۲۵۱).

این اقدامات مختصر هم نتوانست جلوی اعتراضات نمایندگان مجلس را بگیرد. از این رو حدود چهل تن از نمایندگان مجلس به رهبری کی‌خسرو شاهرخ در واکنش به پاسخ‌ندادن دولت و وزراء، در نامه‌ای به تاریخ ۲۰ حوت ۱۳۰۰ ش/۱۱ مارس ۱۹۲۲ م پیشنهادی چهارماده‌ای را برای تصویب مجلس شورای ملی به رئیس مجلس تقدیم کردند. در میان اسامی این نمایندگان نام‌های کی‌خسرو شاهرخ و مساوات (از اعضاء کمیسیون رسیدگی به جواهرات)، ملک‌الشعرا بهار، و امین‌التجار اصفهانی به چشم می‌خورد. در متن این نامه آمده بود: «... ثانیاً به تمام مأمورین دولت علیه در داخله و خارجه تلگراف و کتباً امر شود آنچه از کتب و ذخایر دولتی ایران در هر کجا و نزد هر کسی بیابند اقدام در استرداد و ایصال به دولت ایران نمایند.

ثالثاً در حدود هر جزء از سؤال مذکور فوق و آنچه نیز علاوه بر آن از اشیاء و ذخایر جواهرات و اسناد دولتی در هر بانک و نزد هر کس باشد اهتمام شود به فوریت تسلیم دولت نمایند و در صورت تعلل اگر هر یک از مرتکبین و مسئولین که حقوق دولتی دارند و کفایت به آن اشیاء و اموال کند حقوقشان توقیف شود، و الاً از هرگونه دارائی آن‌ها که کفایت به میزان آن اشیاء و اموال نماید توقیف شود و رفع آن توقیف موکول به اخذ تمام و کمال هر جزئی از اجزاء آنچه نزدشان بوده و یا در صورت تفریط موقوف به تأدیة تمام و کمال [تمام کمال] اصل و فرع قیمت صحیح آن خواهد بود.

رابعاً در ظرف اقل یک ماه از این تاریخ دولت نتیجه اقدامات خود را رسماً به مجلس شورای ملی اعلام فرماید [...]» (کمام، ۱۲/۳۴/۶/۱/۲۹؛ مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۷۸). تهدید نمایندگان باعث شد که مقامات دولتی با نمایندگان امضاکننده پیشنهاد مذاکره کنند. بر همین اساس ارباب کی‌خسرو طی نامه‌ای به تاریخ ۲۳ حوت ۱۳۰۰ ش/۴ مارس ۱۹۲۲ م به رئیس مجلس شورای ملی اعلام کرد که چون قرار است رئیس‌الوزراء با نمایندگان امضاءکننده نامه گفت‌وگو کند، لذا بررسی این موضوع از



دستور جلسه مجلس خارج شود (کمام، ۴/۱۴/۶۷۸/۶۳۹).

ولی ظاهراً گفت وگوهای دولت و نمایندگان در جلسه ۹۰ دوره چهارم مجلس شورای ملی به نتیجه‌ای نرسید؛ چراکه چند روز بعد (۲۹ حمل ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۲ م) ارباب کی خسرو در نامه‌ای دیگر به ریاست مجلس شورای ملی تقاضا کرد که ظرف مدت یک هفته، رئیس‌الوزراء برای پاسخگویی در مجلس حاضر شود و در غیر این صورت آن پیشنهاد چهارماده‌ای، در مجلس طرح و تکلیف آن در مجلس معین شود (کمام، ۴/۱۴/۶۷۸/۳۷۹). در همین روزها گزارش سیزده صفحه‌ای رئیس محاسبات بیوتات سلطنتی (مرآت‌الممالک) حسب درخواست مجلس شورای ملی از وزارت مالیه به مجلس تقدیم شد. رئیس بیوتات سلطنتی در این گزارش وضعیت بخش‌های مختلف بیوتات سلطنتی (نظیر کاخ‌ها، انبارهای سلطنتی، کتاب‌خانه سلطنتی، اسناد دولتی و جواهرات سلطنتی) را ارائه داد. در مسئله جواهرات سلطنتی بیان شده بود که جواهرات اصولاً در دو قسمت نگهداری می‌شود: بخش اول جواهراتی است که برای استفاده احمدشاه اختصاص داده شده است و تحویل صندوق دار دربار، عدل‌السلطنه، است. بخش دوم نیز جواهرات موجود در خزانه اندرون است. درباره این جواهرات هم ضمن اینکه به شرایط بد نگهداری آن‌ها اذعان شده بود، گزارش بیان می‌داشت که بخشی از جواهرات که به دستور احمدشاه برای جشن تاج‌گذاری او از خزانه استخراج شده است، به خزانه عودت داده شده است و بخش دیگری هم پس از مراجعت شاه از سفر فرنگ با تنظیم قبض و رسید به صندوق‌خانه تحویل داده شده است. ولی در زمان تنظیم این گزارش هنوز چند فقره از جواهرات در ضبط شاه باقی مانده بود (کمام، ۴/۲۴/۱۱/۱/۸).

گزارش مزبور هم نتوانست نمایندگان مجلس را کاملاً مجاب کند؛ از این رو شیخ‌الاسلام (نماینده مردم اصفهان) در جلسه علنی مجلس در ۲۸ حمل ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۱ م ضمن اشاره به مختصر بودن گزارش وزارت مالیه و اینکه تاریخ راپورت به سه سال پیش مربوط است، از رئیس‌الوزراء سؤال کرد که چه اقداماتی برای حفظ و نگهداری جواهرات موجود و آن بخش از جواهراتی که متفرق شده است، انجام شده است؟ رئیس‌الوزراء پاسخ داد که در این مسئله از طرف دولت به‌طور کلی اقداماتی انجام شده است؛ ولی او بیان نتیجه قطعی اقدامات دولت در این زمینه را به آینده موکول کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۹۰). از طرف دیگر رئیس‌الوزراء در نامه خود به شاه نوشت که نمایندگان از پاسخ‌های او درباره جواهرات قانع نشده‌اند و مذاکراتی در مجلس می‌شود که برای مملکت بسیار مضر است. او مقالات مندرج در روزنامه‌ها درباره وضعیت جواهرات سلطنتی را نیز نامناسب دید و از شاه درخواست کرد که با همکاری

وزیر دربار با اعضای کمیسیون، به صورت جواهرات رسیدگی کنند و محل نگهداری آنها را تغییر دهند.

درنهایت در جلسه ۱۲۶ دوره چهارم مجلس شورای ملی، وزیر مالیه برای ادای توضیحاتی درباره پرسش یکی از نمایندگان مجلس (مستشارالسلطنه) در زمینه اموال دولتی و جواهرات سلطنتی، در صحن علنی مجلس حاضر شد. وزیر مالیه در توضیحات خود به بیان تاریخچه نگهداری بیوتات سلطنتی در زمان ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و وضع آشفته بیوتات در دوره محمدعلی شاه پرداخت. وزیر مالیه درباره جواهرات سلطنتی توضیح داد که بخش اعظم جواهرات در خزانه اندرون در محلی امن قرار دارد که در آن به مهر وزیر دربار، وزیر مالیه، صندوق دار و چند نفر مستوفی دربار مهور است و صورتی دقیق و معین دارد. او درباره جواهراتی که در صندوق خانه دربار برای استفاده احمدشاه اختصاص داده شده بود توضیح داد که این جواهرات نیز طبق سند از خزانه به رئیس صندوق خانه تحویل می شود. ولی اضافه کرد بخشی از جواهرات را هنوز سند نداده اند؛ ولی شاه اظهار کرده است که جواهرات مذکور در اختیار شاه است. «و به طور خلاصه از خزانه دولتی چیزی بدون صورت و علامت و سند مفقود نشده است» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۱۲۶).

با ادای این توضیحات به نظر می رسد نمایندگان مجاب شدند؛ چراکه دیگر تا دوره بعد مجلس، در مذاکرات مجلس از جواهرات سلطنتی صحبتی نشد. اقدامات مجلس در دوره چهارم نشانه ای بود از قدرتمندی نمایندگان مجلس و تغییراتی که در فضای سیاسی کشور روی داده بود. در این فضا سؤال نمایندگان مجلس درباره جواهرات سلطنتی، شاه و هیئت دولت را به پاسخگویی و ادار می کرد.

۶. شایعات مربوط به سرقت جواهرات و نقش مجلس پنجم در این جریانات

چند سال بعد در سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴م در جریان تبلیغات مخالفان احمدشاه و سلسله قاجار باز موضوع جواهرات سلطنتی و غارت آنها مطرح شد. شایعات به حدی بالا گرفته بود که موضوع به صحن علنی مجلس شورای ملی هم کشیده شد. به طور کلی در این ایام طرح یک چنین مسائلی بیشتر شایعاتی بود برای تحت فشار قرار دادن دربار و دولت و تهییج افکار عمومی علیه احمدشاه و به طور اعم علیه سلطنت سلسله قاجار. روزنامه های داخلی و خارجی، مطالبی تند درباره سرقت جواهرات سلطنتی می نوشتند که البته بعضاً با اغراض سیاسی و برای لطمه زدن به شخص احمدشاه و دولت او همراه بود.

روزنامه «شفق سرخ»، احمدشاه را متهم کرد که در سفرش به فرنگ، دریای نور را



هم با خود برده است. در میتینگ جمهوری خواهان در مدرسه چهارباغ اصفهان، احمدشاه را متهم کردند که جواهرات سلطنتی را به اروپا برده است و به مصارف نامشروع خود می‌رساند (عین السلطنه، ۱۳۷۷، ج ۹، صص ۶۷۳۳ و ۶۷۳۴).
در پایتخت هم تبلیغاتِ سوء برای تخریب احمدشاه و سلسله قاجار ادامه داشت. گروهی از شعرا و ترانه‌سرایان، اشعار و تصانیفی علیه احمدشاه می‌سرودند و در آن‌ها شاه را به سرقت جواهرات سلطنتی متهم می‌کردند. برای نمونه عارف قزوینی در یکی از غزل‌های خود سرود:

«سَرِ بازار جنونُ عشق شه ایران را در اروپا چه خوش انگشت‌نما خواهد برد
کس نپرسد که آن گنج جواهر کز هند نادر آورد، شهنشه به چه جا خواهد برد؟! [...]»

در یکی دیگر از این تبلیغات درباره بردن جواهرات سلطنتی به خارج توسط احمدشاه آمده بود:

«شاه و گدا دزد و میرعسس مست مملکت از هر طرف دچار علی جان
آنچه به‌جا مانده بُرد شه به اروپا به از این شاه و شاه‌کار علی جان؟!
به از این شاه و شاه‌کار علی جان؟! مهره گرفتن بود ز مارِ علی جان»
(عارف قزوینی، ۱۳۴۲، صص ۲۸۴، ۳۱۱).

مخالفان احمدشاه با درک اهمیت جواهرات سلطنتی در افکار عمومی، به خوبی دریافته بودند که با متهم کردن شاه به سرقت جواهرات سلطنتی، همراه با تهییج افکار عمومی راحت‌تر می‌توانند موقعیت شاه را لرزان کنند. به موازات تبلیغات سوء داخلی علیه احمدشاه روزنامه‌های خارجی هم با انتشار مطالبی -البته بدون مستندات- شاه را متهم می‌کردند که جواهرات سلطنتی را در اروپا می‌فروشد و برای عیاشی‌های خود خرج می‌کند. اخبار فروش و به‌وثیقه گذاشتن جواهرات سلطنتی توسط احمدشاه در اروپا، در روزنامه‌هایی مانند «ایران آزاد»، «پاریس سوار»، «کوشش»، «دیلی کرانیکل»، «الاقبال» و «دیلی اکسپرس» منتشر می‌شد (سیدبنکدار، ۱۳۹۰، ص ۱۷۸).

نهایتاً موضوع به مجلس شورای ملی هم رسید. ضیاء‌الواعظین یکی از نمایندگان مجلس، سؤالش درباره شایعات به‌وجودآمده در زمینه جواهرات سلطنتی را برای دریافت پاسخ به رئیس مجلس شورای ملی تقدیم کرد. طبق آئین‌نامه مجلس، سؤال نماینده مزبور برای رئیس‌الوزراء ارسال شد و قرار شد وزیر مالیه در ظرف مدت قانونی برای پاسخگویی

در صحن علنی مجلس حاضر شود (ساکما، ۲۴۰/۵۸۹۰، صص ۵۶، ۵۸، ۶۰). در سؤال ضیاءالواعظین خطاب به رئیس مجلس آمده بود: «ازقرار اخباری که در جرائد [جراید] خارجه منتشر شده است اعلیٰ حضرت معادل ۲۰ میلیون فرانک جواهرات فروخته‌اند [...] دولت دراین خصوص چه اطلاعی دارد؟» (کمام، ۵/۹۱/۶۷۱/۷).

وزیر مالیه برای پاسخگویی به سؤال ضیاءالواعظین در جلسه ۱۹ دوره پنجم مجلس شورای ملی حاضر شد. نماینده سؤال‌کننده ابتدا در نطق خود به ذکر مفصل از سابقه اقدامات نمایندگان دوره چهارم مجلس درباره جواهرات سلطنتی و همچنین ارائه گزارش پیشین رئیس اداره محاسبات بیوتات پرداخت و سپس به سؤال خود درباره فروش جواهرات سلطنتی توسط احمدشاه در اروپا پرداخت. مستندات ضیاءالواعظین، اخبار مندرج در جراید خارج بود. او برای نمونه بخش‌هایی از یکی از این روزنامه‌ها را در صحن علنی مجلس قرائت کرد و بیان داشت که شنیده می‌شود که شاه ضمن خوش‌گذرانی‌های خود در فرنگ، در حدود بیست میلیون فرانک جواهر فروخته است. این ادعاهای بدون مدرک البته باعث اعتراض نمایندگان و متشنج شدن فضای مجلس شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۹). ضیاءالواعظین در ادامه صحبت‌های خود از روی دیگر روزنامه‌های اروپایی و همچنین عربی مطالبی مشابه را بیان کرد. روشن بود که در این زمان بیش از آنکه حفظ و حراست جواهرات سلطنتی مطرح باشد، این موضوع وسیله‌ای شده بود برای تخریب موقعیت احمدشاه و به‌طور کل سلسله قاجار؛ تخریبی که در همین صحبت‌های ضیاءالواعظین هم آشکار بود. او در صحبت‌های خود ضمن تعریف و تمجید بسیار از اقدامات نادرشاه در به‌دست آوردن خزاین و جواهرات سلطنتی، با سخنانی کنایه‌آمیز درباره بنیان‌گذار سلسله قاجار اقدامات قهرآمیز آقامحمدخان برای به‌دست آوردن جواهرات سلطنتی از بازماندگان خاندان زندیه و افشاریه را یادآور شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۹). این سخنان فضای جلسه را متشنج کرد و با اعتراض نمایندگان برای مدتی سخنرانی ضیاءالواعظین قطع شد.

پس از پایان سخنان ضیاءالواعظین، وزیر مالیه برای پاسخگویی در جایگاه حاضر شد. بدین‌منظور از مدتی قبل، اداره محاسبات بیوتات گزارشی راجع به سوابق جواهرات از هنگام فتح تهران، و اقدامات هیئت‌مدیره در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م تا سال‌های پایانی دوره قاجار تهیه کرده بود. در این گزارش قید شده بود که در جریان تاج‌گذاری احمدشاه، در طی ده مرتبه (از تاریخ ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ق تا ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ق / ۱۹۱۴م-۱۹۱۵م) با حضور امنای دربار و با رعایت تشریفات قانونی مطابق ۴۹ طغری فرد^۱ و اسناد جواهرات از خزانه اندرون استخراج شده است. بخشی از این جواهرات نزد خود شاه بوده و بخشی تحویل

۱. منظور از فرد، نوعی کاغذ سندی است.



صندوق خانه بوده است. هم‌چنین در تاریخ ۲۱ جمادی الآخر ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۷ م با حضور امنای دربار و اداره محاسبات بیوتات از تمام جواهرات تحویل داده شده به صندوق خانه، کتابچه‌ای تهیه شد و به شاه تحویل داده شد. پس از مدتی در ۱۵ اسد ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م مطابق با یک طغری صورت مجلس، با حضور مشیرالدوله، رئیس الوزرا، تعدادی از وزرا و امنای دربار، مابقی جواهرات از جمله سه رشته تسبیح مروارید بسیار اعلی به صندوق خانه تحویل شد. در نهایت ۲۱ قلم از جواهرات تحویل داده شده به احمدشاه کسر بود. بر طبق این گزارش این تعداد از جواهرات با اطلاع وزرای مربوطه به ولیعهد، تعدادی از شاهزادگان، و چهار تن از علمای شهر اصفهان مرحمت شده بود. این جواهرات شامل دو قطعه نشان روس و بخارا، چند حلقه انگشتر الماس برلیان، فلامک^۱، یاقوت کبود، لعل، تکمه‌های جواهر نشان، ساعت، زنجیر ساعت، قلم تراش و قلم‌دان نقره بود. در تاریخ ۲۶ قوس ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م با حضور رئیس الوزرا، سردار سپه و سایر وزرا در خزانه اندرون برای ملاحظه وضعیت جواهرات و صحت نگهداری آن‌ها باز شد. هم‌چنین قبل از سفر شاه به فرنگ، جواهرات صندوق خانه نیز بازدید شد و تحت نظر مستقیم وزارت مالیه درآمد و اتاق مخصوص نگهداری این جواهرات به مهر وزیر دربار، دبیر الملک (رئیس محاسبات بیوتات دولتی)، صدر الممالک، و عدل السلطنه لاک و مهر شد (ساکما، ۲۴۰/۵۸۹۰، صص ۵۷، ۵۸، ۶۱-۶۵؛ ممتا، ب ۶۸۷۶، ص ۳۰۲).

مبنای پاسخ‌های وزیر مالیه بر اساس گزارش اداره بیوتات بود. با این همه وزیر مالیه به لحاظ رعایت برخی از ملاحظات از پرداختن به جزئیات گزارش اجتناب ورزید. او در ابتدای سخنان خود بیان داشت که در سؤالی که به دستش رسیده است یک‌چنین جزئیاتی مطرح نشده است. او تصریح کرد در جواهرات سلطنتی هیچ غارتی نشده است و در ده مرتبه‌ای که جواهرات از خزانه اندرون استخراج شده است با رعایت تشریفات قانونی و تهیه صورت و سند بوده است. او ادامه داد آن مقدار جواهراتی را که ضیاء الواعظین به آن‌ها اشاره کرده است نیز شاه در ۱۵ اسد ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۳ م طبق صورت به خزانه تحویل داده است. او تأکید کرد تعدادی از جواهرات را هم که بهای زیادی نداشته‌اند و شامل ده حلقه انگشتر، دو نشان دولت روس و بخارا و یک دکمه یاقوت کبود و دو دستگاه ساعت می‌شوند، شاه به ولیعهد و سایر شاهزادگان هدیه داده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۹).

این توضیحات باعث شد تا سایر نمایندگان از قیمت و کیفیت این ده انگشتر از وزیر مالیه جزئیات بیشتری بخواهند. وزیر مالیه جواهرات مزبور را اندکی توصیف کرد و اضافه کرد که صورت این جواهرات موجود است. درباره قیمت این جواهرات هم توضیح داد

۱. فلامک: نوعی الماس ارزان و سرخ‌رنگ با تراش یک‌سطحی (فرهنگ عمید).

که: «این جواهراتی که در خزانه هست تقویم نشده‌است، فقط صورتی دارد و شکل و ترتیبی؛ آن چیزی که معین شده‌است شاید ۱۵ هزار تومان الی بیست هزار تومان بیشتر نباشد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۹).

در ادامه صحبت‌های وزیر مالیه، ضیاءالواعظین تذکر داد که شاه هنوز به سؤال اصلی او درباره شایعه فروش بیست میلیون فرانک جواهر در فرانسه - که در روزنامه‌های اروپایی و محافل سیاسی اروپا مطرح شده‌است - پاسخی نداده‌است. وزیر مالیه در این باره پاسخ داد که جواهرات سلطنتی طبق ثبت و صورت‌های وزارت مالیه کسر نشده و شاه جواهرات سلطنتی را با خود نبرده‌است و اگر جواهراتی هم آن‌طور که می‌گویند فروخته شده‌است، جواهرات شخصی بوده و به جواهرات سلطنتی ربطی نداشته‌است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره پنجم، جلسه ۱۹).

با پایان گرفتن این جلسه دیگر در باقی مانده عمر سلسله قاجار موضوع جواهرات سلطنتی در مجلس شورای ملی مطرح نشد؛ چراکه خود مخالفان احمدشاه هم می‌دانستند که در جواهرات سلطنتی تصرفی نشده‌است. متنها مطرح کردن این موضوع و متهم کردن شاه به سرقت جواهرات سلطنتی دستاویزی مناسب برای تخریب شاه بود.

حسین مکی در این باره معتقد است که مخالفان سیاسی احمدشاه در همان ایام نیز از حقیقت امر مطلع بوده‌اند؛ کمالینکه پس از انقراض سلطنت قاجار و رسیدگی مجدد به صورت اموال و جواهرات سلطنتی مشخص شد که چیزی از این اموال کسر نشده‌است (مکی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۲).

با انقراض سلسله قاجار و آغاز سلسله پهلوی جواهرات سلطنتی به مقامات تازه تحویل شد؛ ولی در اواخر دوره رضاشاه و مقارن با وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱م شایعات و اتهامات بی‌پایه‌ای که در زمینه سرقت جواهرات سلطنتی به احمدشاه وارد شده بود، متوجه شخص رضاشاه هم شد.

۷. نتیجه

به دنبال پایان استبداد صغیر و فتح تهران، هیئت‌مدیره و دولت مشروطه با مشکلات فزاینده اقتصادی روبه‌رو شد. یکی از راه‌های مدنظر برای به‌دست آوردن منابع مالی تازه، استفاده از جواهرات سلطنتی بود. مشکلات فزاینده اقتصادی در این دوره موجب شد تا افرادی در دولت و مجلس با هدف تأمین منابع مالی تازه، برای رهن‌گذاری و یا فروش بخشی از جواهرات سلطنتی اقداماتی انجام دهند. انتشار این اخبار موجب شد تا دولت‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های تجاری کشورهای بریتانیا، روسیه و آمریکا در این موقعیت آشفته به فکر



بهره‌برداری از این مجموعه ارزش مند بیفتند؛ ولی حساسیت افکار عمومی، ارزش ملی و فرهنگی این مجموعه، و اختلاف نظرهایی درباره این موضوعات از تحقق این امر مانع شد. از طرف دیگر باتوجه به برقراری نظام مشروطه و نظارت مجلس شورای ملی بر دارایی‌های دولت، جواهرات سلطنتی نیز دیگر جزو دارایی‌های شخصی پادشاه نبود و به‌عنوان جواهرات مورد استفاده مقام سلطنت، زیرمجموعه اموال دولتی قرار گرفته بود. باتوجه به اهمیت بسیار زیاد ملی و مالی این مجموعه، حساسیت‌های بسیار زیادی بر این مجموعه وجود داشت؛ به‌گونه‌ای که بازوهای نظارتی نظام مشروطه یعنی مجلس شورای ملی و زیرمجموعه‌های آن نظیر اداره محاسبات بیوتات دولتی با حساسیت بسیار بر حفظ و نگهداری این مجموعه نظارت می‌کردند. اهمیت این مجموعه موجب شد تا در اواخر دوره قاجار، مخالفان سیاسی این سلسله برای ضربه‌زدن به موقعیت شاه، او را به تصرف در جواهرات سلطنتی متهم کنند و از این کار به‌عنوان حربه‌ای برای تخریب سلسله قاجار استفاده کنند. ولی بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد از آنجاکه احمدشاه خود را پادشاه نظام مشروطه می‌دانست، از تصرف در مجموعه جواهرات سلطنتی اجتناب ورزید و آن بخش از جواهراتی را نیز که برای استفاده مقام سلطنت در اختیار داشت، در سال‌های پایانی سلطنت خود به خزانه دولتی عودت داد و بنابراین مجموعه جواهرات سلطنتی ایران بدون کم‌وکاست به سلسله بعدی انتقال یافت. در این دوره جواهرات سلطنتی نه به رهن گذاشته شد و نه به فروش رفت؛ بنابراین جواهرات سلطنتی در بهبود اوضاع اقتصادی کشور تأثیری به‌جای نگذاشت.

منبع

اسناد

الف: اسناد منتشر نشده

ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۲۴۰/۵۸۹۰، صفحات ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱-۶۵.

۲۴۰/۷۱۲۶، صفحات ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹،

۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶.

مصاحبه تاریخ شفاهی با نصرت‌الله خازنی، شماره ثبت مصاحبه: ۶۷۳، در تاریخ ۸۲/۴/۱ توسط نیک‌نفس،

ضمیمه شماره ۱۶۴.

۲۴۰/۱۹۹۸۷، صفحات ۸۹، ۹۰، ۹۱.

کِمَام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی



۴/۲۹/۱۶/۱/۱۴؛ ۴/۲۴/۱۱/۱/۸؛ ۴/۱۴/۶/۸/۶۳۹؛ ۴/۱۴/۶/۸/۳۷۹؛ ۲/۱۳۰/۳/۶/۹۷/۱۱؛ ۲/۱۳۰/۳/۱/۹۷/۱
۱۲/۳۴/۶/۱/۲۹؛ ۵/۹۱/۶/۱/۷

استادوخ (estādūx): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

۱۳۲۸، ک ۱۵، پ ۱، ص ۱۲۷؛

۱۳۲۸، ک ۴۴، پ ۵، ص ۱۷؛

۱۳۲۸، ک ۶۵، پ ۲، صص ۱۷، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۵۵؛

۱۳۲۹، ک ۱۵، پ ۳، صص ۱۶ و ۲۲؛

۱۳۲۹، ک ۵۲؛ ۵۲، ص ۷۶؛

۱۳۳۰، ک ۲۱، پ ۲، صص ۴ و ۸؛

۱۳۳۰، ک ۲۵، پ ۳۸، صص ۹ و ۱۰.

مُتَمَّا (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

ب ۶۸۷، صفحات ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۳۰۲.

۱۵/۱-۲-۴-۱۳۲۲م؛ ۱۶-۱۵-۴-۲-۱۳۲۲م؛ ۱۶۱-۱۶-۲-۴-۱۳۲۲م؛ ۱۷-۴-۲-۱۳۲۲م؛ ۳۱-۴۴-۱۴۴م.

ن ۵۵۲۵۰؛ ۵۵۲۵۱؛ ۵۵۲۵۲؛ ۵۵۲۵۳؛ ۵۵۲۵۴؛ ۵۵۲۵۵؛

ب: اسناد منتشر شده

اسناد روحانیت و مجلس. (۱۳۷۵). (ج ۲). (غلامرضا فدایی عراقی، ناظر؛ منصوره تدین پور، کوشش گر). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

کتاب

تقی زاده، سیدحسن. (۱۳۶۸). *زندگی طوفانی: خاطرات سیدحسن تقی زاده*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: انتشارات محمدعلی علمی.

ساروی، محمد فتح الله بن محمد تقی. (۱۳۷۱). *احسن التواریخ: تاریخ محمدی*. (غلامرضا طباطبایی مجد، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.

شیرازی (خاوری)، میرزا فضل الله. (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین: نامه خاقان*. (ج ۱). (ناصر افشارفر، محقق و مصحح). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (لوح فشرده).

عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۴۲). *کلیات دیوان*. (عبدالرحمن سیف آزاد، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.

عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور). (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. (ج ۴، ج ۸، ج ۹). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گر). تهران: انتشارات اساطیر.



کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران ج هشتم در تاریخ ۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریه ۱۹۱۳. (۱۳۶۹). (احمد بشیری، کوشش گر). تهران: نشر نو.

کتاب نارنجی: اسناد سیاسی وزارت خارجه [روسیه تزاری] درباره رویدادهای [انقلاب مشروطه] ایران. (۱۳۶۸). (پروین منزوی، مترجم). تهران: پرواز.

مکی، حسین. (۱۳۷۰). *زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه*. تهران: امیرکبیر.

ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. (میرزا اسماعیل حیرت، مترجم). تهران: افسون.

یسلسون، آبراهام. (۱۳۶۸). *روابط سیاسی ایران و آمریکا ۱۸۸۳-۱۹۲۳ م/ ۱۳۰۰-۱۳۴۰ ق*. (محمدباقر آرام، مترجم). تهران: امیرکبیر.

مقاله

سیدبندکدار، سیدمسعود. (۱۳۹۰). «بررسی نقش نظارتی مجلس شورای ملی بر جواهرات سلطنتی در دوره پهلوی اول». فصل نامه علمی تخصصی *اسناد بهارستان*، سال اول، پائیز ۱۳۹۰، ضمیمه، صص ۱۷۷-۱۹۲.

سیدبندکدار، سیدمسعود؛ امامی جمعه، وحید. (۱۳۹۸). «بررسی اسنادی وضعیت اموال دولتی (بیوتات سلطنتی) در دوره احمدشاه قاجار (مطالعه موردی: کاخ گلستان)». فصل نامه علمی پژوهشی *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، سال دهم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱-۳۲.

English Translation of References

Documents

A) Unpublished documents

Edāre-ye Asnādva Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejah (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

1328, Box 15, Folder 1, p. 127;

1328, Box 44, Folder 5, p. 17;

1328, Box 65, Folder 2, pp. 17, 25, 28, 29, 30, 31, 32, 55;

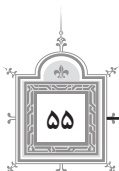
1329, Box 15, Folder 3, pp. 16, 22;

1329, Box 52, Folder 45, p. 76;

1330, Box 21, Folder 2, p. 4, 8;

1330, Box 25, Folder 38, p. 9, 10. [Persian]

Ketāb-xāne, Muzeva Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library,



Museum and Document Center of Iran Parliament):

1/97/1/130/2; 11/97/6/3/130/2; 379/8/6/14/4; 639/8/6/14/4; 8/1/11/24/4;
14/1/16/29/4; 7/1/6/91/5; 29/1/6/34/12.[Persian]

Mo'assese-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān (Motmā) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.IIchs.org):

6876 ب, pp. 106, 107, 113, 302.[Persian]

1/132-2-4-15م31-44-144; م17-4-2-132; م1/16-4-2-132; م16-15-4-2-132; م.

55255ن; 55254ن; 55253ن; 55252ن; 55251ن; 55250ن.[Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā)(National Library and Archives Organization of Iran):

240/5890, pp. 56, 57, 58, 60, 61 – 65;

240/7126, pp. 102, 104, 106, 107, 108, 110, 111, 112, 113, 114, 115, 117,

118, 119, 120, 121, 122, 123, 125, 126.[Persian]

“*Mosāhebe-ye Tārix-e Šafāhi bā Nosratollāh-e Xāzeni*” (Interview of Oral History with Nusratullah Khazeni), Interview record no.: 673, in 82/4/1 / 22 June 2003, interviewed by Niknafs, attached to no. 164.

19987/240, pp. 89, 90, 91.[Persian]

B) Published documents

“*Asnād-e rohāniyat va majles*” (Documents of the clergy and parliament) (vol. 2). (1375/1996). Supervised by Gholamreza Fadaei Araghi; Edited by Mansoureh Tadayonpour. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

Books

Aref Ghazvini, Mirza Abolghasem. (1342/1963). “*Kolliyāt-e divan*” (Complete works of Aref Ghazvini). Edited by Abd Al-Rahman Seif Azad. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Eyn Al-Saltaneh (Ghahreman Mirza Salour). (1377/1998). “*Ruznāme-ye xāterāt-e*



“*Eynossaltaneh*” (The daily memoirs of Eyn Al-Saltaneh) (vols. 4, 8, 9). Edited by Masoud Salour & Iraj Afshar. Tehran: Asätir. [Persian]

“*Ketāb-e ābi: Gozāreš-hā-ye mahramāne-ye vezārat-e omur-e xāreje-ye Engelisdarbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irānjeld-e haštomdar t šrix-e 9 Mārs-e 1912 tā 15 Fevriyeh 1913*” (Blue book: Confidential reports of the British Foreign Office on the Constitutional Revolution of Iran, Volume VIII, March 9, 1912, to February 15, 1913) (vol. 8). (1369/1990). Edited by Ahmad Bashiri. Tehran: Našr-e No. [Persian]

“*Ketāb-e nārenji: Asnād-e siāsi-ye vezārat-e xāreje-ye [Rusiye-ye tezāri] darbāre-ye ruydād-hā-ye [enqelāb-e mašrute-ye] Irān*” (Orange book: Political documents of the Foreign Ministry [Tsarist Russia] on the events [of the Constitutional Revolution] in Iran). (1368/1989). Translated by Parvin Monzavi. Tehran: Parvāz. [Persian]

Makki, Hossein. (1370/1991). “*Zendegāni-ye siāsi-ye Soltān Ahmad Šāh*” (Political life of Sultan Ahmad Shah). Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Malcolm, Sir John. (1380/2001). “*Tārix-e kāmel-e Irān*” (History of Persia). Translated by Mirza Esmāel Heyrat. Tehran: Afsun. [Persian]

Saravi, Mohammad Fathollah Ibn Mohammad Taghi. (1371/1992). “*Ahsan-ot-tavārix: Tārix-e Mohammadi*” (Ahsan Al-Tawarikh Tarikh Mohammadi). Edited by Gholamreza Tabatabaei Majd. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Shirazi (Khavari), Mirza Fazlollah. (1380/2001). “*Tārix-e zol-qarnein: Nāme-ye Xāqān*” (Xavari Shirazi: Tārix -e Zol-Qarneyn) (vol. 1). Researched and edited by Naser Afsharfār. Tehran: Sāzmān-e ČāpvaEntešārāt-e Vezārat-e FarhangvaEršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance Directorate). [Persian]

Taghizadeh, Seyyed Hasan. (1368/1989). “*Zendegi-ye tufāni*” (Stormy life: Memoirs and diaries of Seyyed Hasan Taghizadeh). Edited by Iraj Afshar. Tehran: ‘Elmi. [Persian]

“*Surat-e Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye melli*” (Minutes of the National Assembly). (Compact Disk). [Persian]

Yeselson, Abraham. (1368/1989). “*Ravābet-e siāsi-ye Irān va Āmrīkā 1883 – 1923*”



AD / 1300 – 1340 AH” (United States- Persian diplomatic relations 1883-1921).

Translated by Mohammad Bagher Aram. Tehran: Amir Kabir.[Persian]

Articles

SeyyedBonakdar, SeyyedMasoud. (1390/2011). “Barresi-ye naqš-e nezārati-ye majles-e šorā-ye melli bar javāherāt-e saltanatidardowre-ye Pahlavi-ye Avval” (Investigating the supervising role of the National Assembly on royal jewelry in the First Pahlavi Period). *Fasl-nāme-ye ‘ElmiTaxassosi-ye Asnād-e Bahārestān*, 1st year, Fall 1390 / 2011, attachment, pp. 177 – 192.[Persian]

SeyyedBonakdar, SeyyedMasoud; & EmamiJomēh, Vahid. (1398/2020). “Barresi-ye asnādi-ye vazēeyat-e amvāl-e dowlati (Boyutāt-e saltanati) dardowre-ye Ahmad Šāh-e Qājār (Motālēe-ye Moredi: Kāx-e Golestān)” (Studying the status of state properties (royal households) according to documents during Ahmad Shah Qajar period (Case study: Golestan Palace)). *Fasl-nāme-ye ‘ElmiPažuheši-ye Tārix-nāme-ye Irān-e Ba’dazEslām* (Journal of Iranian Islamic Period History), 10(21), Winter 1398 / 2020, pp. 1 – 32.[Persian]

